



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

طول عمر حضرت ولی عصر (عج)

لطف الله صافي كلبايگانى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طول عمر حضرت ولی عصر (عج)

نویسنده:

آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی (دام
ظله)

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله العظمی شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	طول عمر حضرت ولی عصر (عج)
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۷	طول عمر از نظر دانش و علم
۷	هشتصد سال زندگی
۸	هفتاد هزار سال عمر
۹	طول عمر از نظر ادیان
۹	دین مقدس اسلام
۹	نتیجه طول عمر از نظر دانش و علم، ادیان و انبیا
۹	مسأله طول عمر حضرت ولی عصر
۱۰	تفاوت و اختلاف مخلوقات در عمر و طول عمر بشر و قیاس آن با استثنائات
۱۰	اشاره
۱۱	استثناء در کرات
۱۱	استثناء و اختلاف عمر در دنیای اتم
۱۱	استثناء و اختلاف عالم گیاه و درخت
۱۲	تفاوت و اختلاف در عالم حیوانات
۱۲	استثناء در جهان انسانها
۱۳	عمر جاودان
۱۴	نیروی جوانی پایدار
۱۵	اخبار درباره جوانی امام زمان
۱۵	سخنی با برادران اهل سنت درباره مهدویت حضرت مهدی
۱۷	سرگذشت معمرین در تاریخ

اسامی برخی از معمرین ۱۷

پاورقی ۱۹

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۹

طول عمر حضرت ولی عصر (عج)

مشخصات کتاب

نویسنده: لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر: قم: دفتر حضرت آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ علی صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶.

مقدمه

یکی از مطالبی که همواره بشر در جستجو و تحصیل آن بوده، طول عمر و زندگی است؛ طول عمر توأم با سلامتی و توفیق از نعمتهائی است که ارزش آن را نمی‌توان معین کرد، گزینه حب به ذات، حب بقا و غرائز دیگر انسانها راعاشق و دل باخته طول عمر ساخته و آنها را وادار می‌سازد که در این راه منتهای سعی و تلاش را انجام دهند تا بلکه مدتی اگر چه کوتاه باشد این ریسمان عمر را بلندتر سازند. آنچه فحص و مطالعه در اطراف این موضوع نشان می‌دهد این است که امکان عمر بسیار دراز همواره مورد قبول بوده و تا کنون کسی عدم امکان و امتناع آن را عنوان نکرده است. ما نخست امکان طول عمر را از نظر علوم و دانشهای عصری مانند علم پزشکی و علم زیست‌شناسی، اطلاعاتی که از احوال سایر مخلوقات داریم با مقایسه انسان به آنها مورد توجه قرار می‌دهیم و سپس مراجعه با ادیان آسمانی نموده در امکان و صحت آن از نظر عقاید دینی سخن می‌گوئیم.

طول عمر از نظر دانش و علم

از نظر علوم امروز باید دانست که علم، امکان طول عمر را کاملاً تأیید کرده و کوشش بشر را در این راه کوشش نتیجه بخش و موفقیت آمیز و لازم می‌شناسد و برای طول عمر حد و اندازه‌ای معلوم نمی‌کند. علم می‌گوید: تقلیل متوفیات و مرگ و میرها، و طولانی ساختن عمر وارد یک مرحله عملی شده و با کمال سرعت رو به تکامل است و حد متوسط عمر در کمی بیشتر از یک قرن از ۴۷ به ۷۴ رسیده است. دکتر «الکسیس کارل» در سال ۱۹۱۲ میلادی موفق به نگهداری یک مرغ به مدت سی سال شد، در حالی که زندگی مرغ حداکثر از ده سال تجاوز نمی‌کند [۱].

هشتصد سال زندگی

دکتر «هنری الحیس» می‌گوید: باید حد متوسط مرگ و میر عمومی را به حد مرگ و میر اطفال کمتر از ده سال رسانید و اگر این مسأله عملی شود، انسان آینده، هشتصد سال زندگی خواهد کرد. [۲]. دانشمندان هنوز در تعیین مرز قاطع (زندگی طبیعی) بشر به موفقیتی نرسیده‌اند. مرز منطقی زندگی به نظر دانشمندان تفاوت دارد «پاولوف» مرز طبیعی حیات انسان را ۱۰۰ سال می‌دانست «مچنیکوف» آن را ۱۵۰ تا ۱۶۰ قلمداد می‌کرد. پزشک و دانشمند مشهور آلمانی «گوفلاند» معتقد بود که مدت عادی زندگی بشر ۲۰۰ سال است. فیزیولوژیست مشهور قرن نوزدهم «فلوگر» آن را تا ۶۰۰ سال و «روجریکن» انگلیسی تا ۱۰۰۰ سال قلمداد کرده‌اند. [۳] ولی هیچیک دلیلی بر اینکه این مرزها مرز قاطع باشد که از آن تجاوز نکنند ارائه نمی‌دهند. به عقیده دانشمند روسی «ایلیا مچنیکوف» پزشک و فیزیولوژیست، یاخته‌ها و سلولهای بدن انسان که تقریباً شصت تریلیون می‌باشد از سموم ترشح شده توسط باکتریهای سمی روده مخصوصاً روده بزرگ (که در آن روزانه ۱۳۰ تریلیون میکروب زاده می‌شود) مسموم می‌شوند. بسیاری از این باکتریهای زیانی به بدن نمی‌رسانند ولی بعضی از آنها سمی هستند. اینها بدن را از داخل توسط سمهائی که تولید می‌کنند (مانند

گازهای فتل و اندل) مسموم می‌سازند؛ احتمالاً یاخته‌ها و بافتهای سازنده بدن در اثر این مسمویت به پیری زود رس دچار می‌شوند، وقتی یاخته پیر شده، به سختی می‌تواند نیازهای حیاتی را رفع نماید و در تکثیر آن اختلال پدید آمده و سپس می‌میرد [۴]. پروفیسور «اسمیس» استاد دانشگاه کلمبیا می‌گوید: حد و حصر سن، مثل دیوار صوتی است، همانطور که دیوار صوتی امروزه شکسته شده، این دیوار سن نیز روزی خواهد شکست. [۵].

هفتاد هزار سال عمر

آزمایشاتی که بر روی بعضی از حیوانات ریز آبی انجام شده علما را به امکان تغییر دوران حیات امیدوار نموده و همچنین دانشمندان در روی مگسهای میوه‌ها آزمایشهایی نمودند که در نتیجه عمر آنها نهصد برابر عمر طبیعی گردید [۶] بنابر این اگر این امتحان بر روی انسان با موفقیت عملی شود و عمر طبیعی انسان را هشتاد سال فرض کنیم، امکان طولانی کردن عمر تا هفتاد و دوهزار سال ثابت می‌شود. همچنین در روی نسوج بعضی حیوانات، مطالعاتی جریان دارد که کاملاً بشر را در این زمینه به آینده خوش بین نموده و انتظار می‌رود که در آینده طول عمر و بازگشت نیروی جوانی در دسترس همگان قرار بگیرد. بسیاری از علما به مسأله اعاده نیروی جوانی بیشتر توجه دارند تا به مسأله طول عمر؛ زیرا از مسأله طولانی ساختن و ادامه حیات در شرایط مخصوصی به هر مقدار خود را فارغ می‌دانند و در حقیقت آن را حل شده و عملی می‌شمارند فقط می‌گویند: باید فکری برای پیری کرد و سرمی تهیه نمود که از پیری جلوگیری کند؛ زیرا عمر هر چه طولانی شود اگر بازحمت پیری توأم شود لذت بخش نیست. مرگ نه مولود طول عمر و نه نتیجه پیری است؛ بلکه مرگ نتیجه بیماری و رعایت نکردن قواعد حفظ الصحة و بهداشت بدن و سلامت مزاج است که اگر انسان بتواند بر عواملی که مزاج را تحت تأثیر قرار می‌دهند مسلط شود، می‌تواند مرگ را مهار نماید. این عوامل عبارت است از صحت مزاج پدر و مادر، و پدر و ماور آنها و اطلاع آنان به قواعد بهداشتی تولید مثل، آداب نکاح، اعتدال مزاج مادر در ایام حمل، رعایت دستورات بهداشتی در دوره بارداری و هنگام رضاع و شیر دادن، حسن تربیت فرزند، مساعدت محیط و هوا، رعایت اعتدال در خواب و استراحت، کار و معاشرت و انتخاب جامه و پای افزار، مصاحبت با مردمان صحیح الاخلاق و مستقیم، ایمان به خدا و امنیت، صفای باطن و تنزه آن از عقائد خرافی و باطل، استفاده از غذاهای سالم و خود داری از صرف مسکرات و نوشابه‌های الکلی و شرایط دیگر از این قبیل که چون بیشتر این عوامل تحت کنترل انسان نیست ناچار مغلوب شده و تسلیم مرگ می‌شود. آمارهائی که راجع به تعداد متوفیات و تفاوت آنها به حسب شغل و حرفه و محیط و مسکن از طرف شرکتهای بیمه منتشر می‌شود ثابت می‌کند که اختلاف اعمار بشر مربوط به یک سلسله عوامل خارجی است که هر چه این عوامل کمتر شود، عمر طولانی‌تر می‌شود. چنانچه مکرر دیده شده اشخاصی متجاوز از صد و پنجاه، صد و شصت، صد و هفتاد و دویست و بیشتر زندگی کرده‌اند، و در همین عصر، ما اشخاصی را می‌شناسیم که سن آنها از صد و پنجاه متجاوز است، و این نیست مگر در اثر آنکه عوامل کشنده کمتر به سراغ آنها رفته است. خلاصه سخن این است که: امکان عادی طول عمر در جهان علم صد در صد مورد قبول و غیر قابل انکار است. برای اینکه معلوم شود تعجبی که ما از عمر بسیار طولانی می‌نمائیم، معلول انس و عادت به عمرهای کوتاه است، در سخن یک پزشک انگلیسی دقت فرمائید، این پزشک می‌گوید: اگر منطقه کانال پاناما که مشهور به بیماریه‌های فراوان است از سایر نقاط جهان جدا شود و ما در آنجا زندگی کنیم و از سرگذشت مرگ و زندگی در سایر نقاط بی اطلاع باشیم خواهیم گفت: کثرت وفیات در این منطقه و کوتاهی عمر از امور معین به حکم طبیعت است و تغییر آن از دسترس علم خارج است؛ پس معلوم می‌شود که جهل ما به اسباب بعضی از بیماریها مانع از تقلیل وفیات و طولانی شدن عمر است و هر کس در این نظر با من مباحثه کند (کثرت میزان وفیات و عمرها را در حدی ثابت بداند) از او می‌پرسم: کدام دوره از دوره‌های عمر ثابت است؟ دوره عمر در هند یا در نیوزیلند یا آمریکا یا در منطقه قنال؟ و کدام پیشه و شغل است که دوره عمر در آن ثابت است؟ آیا

پیشه و شغل است که دوره عمر در آن ثابت است؟ آیا پیشه فلکی و ستاره‌شناسی که وفیات آن ۱۵ تا ۲۰ در صد زیر حد متوسط است؟ یا وکالت دادگستری که وفیات آن ۵ تا ۱۵ در صد فوق متوسط است؟ یا تنظیف شبکات که وفیات آن ۴۰ تا ۶۰ در صد فوق متوسط است؟ اینها مثالهایی از تفاوت بسیار در متوسط وفیات به حسب مشاغل و پیشه‌ها است. بعلاوه ما ادله بسیار دیگر نیز داریم که دلالت دارد بر تغییرات مهم در دوران حیات به وسایل صناعی سپس آزمایشگاهی را که روی بعضی حیوانات شده و همه ناجح و موفقیت آمیز بوده شرح داده است [۷].

طول عمر از نظر ادیان

ادیان همه با اتفاق از عمر بسیار طولانی جمعی از افراد بشر خبر داده‌اند. تورات کتابی که با همین وضع تحریف شده مورد اعتماد یهود و نصاری است، در سفر تکوین اصحاح ۵، آیه ۵ و ۸ و ۱۱ و ۱۴ و ۱۷ و ۲۰ و ۲۷ و ۳۱ و در اصحاح ۹، آیه ۲۹ و اصحاح ۱۱ آیه ۱۰ تا ۱۷ و در موارد دیگر، افرادی را از پیغمبران و دیگران نام برده و عمرهای طولانی هر یک را که متجاوز از چهار صد، ششصد، هفتصد، هشتصد و نهصد بوده، به صراحت بیان داشته است. [۸]. علاوه بر این معتقدند که «ایلیا» برای اینکه الم مرگ را نبیند زنده به آسمان مرفوع شد و «آدم کلارک» مفسر می گوید: شکی نیست در اینکه ایلیا زنده به آسمان مرفوع شد [۹].

دین مقدس اسلام

در دین اسلام امکان عمر طولانی یکی از مسایل مورد اتفاق می‌باشد و قرآن مجید در نهایت صراحت از عمر طولانی نوح در سوره عنکبوت آیه ۱۴ خبر می‌دهد: «فلبث فیهم ألف سنه الا خمسين عاماً» که فقط مدت اشتغال نوح پیغمبر - علی نبینا و آله وعلیه السلام - به دعوت قوم، پیش از طوفان به صریح این آیه نهصد و پنجاه سال بوده است و اگر سالهای پیش از دعوت و سالهای بعد از دعوت را به حساب بیاوریم چه مقدار می‌شود، خدا عالم است. و عموم مسلمانان اتفاق دارند که عیسی و بلکه خضر و ادریس و الیاس زنده هستند و عیسی در آخر الزمان به زمین خواهد آمد و به حضرت مهدی (ع) در نماز اقتدا خواهد کرد. از نظر تاریخ نیز عمر طولانی مورد تأیید است و تواریخی که در دست داریم، اشخاص بسیاری را نشان می‌دهند که از عمر طولانی و زندگی بلند برخوردار شده‌اند. یکی از کتابهایی که به خصوص در تاریخ زندگی و شرح احوال معمرین نگاشته شده و یکی از مآخذ و مصادر و کتب مهم تراجم و رجال به شمار می‌رود کتابی است که ابوحاتم سبختانی (متوفی ۳۵۰) به نام «المعمرون» تألیف کرده است، این کتاب که اخیراً هم با فهرست و اسلوب عالی طبع شده سوابق تاریخی طول عمر را بطور کامل و مبسوط روشن می‌سازد.

نتیجه طول عمر از نظر دانش و علم، ادیان و انبیا

ما از هر نظر که ملاحظه کنیم حتی تواریخ عهد باستان را هم اگر جلو بیاوریم یا علم قدیم و فلسفه یونان را مستند قرار دهیم و یا آنکه به علوم جدید اعتماد نمائیم و یا به اخبار انبیا و پیامبران اتکا و استناد نمائیم، همه امکان طول عمر و وقوع آن را تصدیق و اثبات می‌نمایند و آن را خارق عادت و اعجاز یعنی بیرون از قوانین و نوامیس طبیعی عالم نمی‌شمارند. بلکه چون افرادی که عمر طولانی کرده‌اند نادرند قدری نامأنوس و جالب توجه است. در صورتی که از نظر علمی باید گفت این عمرهای کوتاه خلاف سنن خلقت و قواعد اصلی عالم طبیعت است و اگر عوارضی که گفته شد مانع نبود باید عمر کوتاه خلاف عادت شده باشد.

مسئله طول عمر حضرت ولی عصر

اما طول عمر حضرت ولی عصر (ارواح العالمین له الفدا) ما می‌گوئیم اصلاً طول عمر ایشان اگر چند هزار سال دیگر و بلکه بیشتر نیز

بر آن افزوده شود نباید مورد حرف و محل شبهه باشد؛ زیرا امکان ذاتی و امکان وقوعی طول عمر ثابت و مسلم است، حال ما چه امکان طبیعی طول عمر و وقوع آن را ثابت کنیم (چنانچه ثابت است) و چه امکان آن را ثابت ندانیم و عمر طولانی را یک امر خارق العاده و معجزه بشماریم، در مورد طول عمر ایشان اگر ایمان به خدا و قدرت و توانائی و صحت نبوتها داریم نباید تردید کنیم. مسأله طول عمر آن حضرت مسأله‌ای است که صدها حدیث بر آن دلالت دارد و مشیت ازلی الهی بر آن تعلق گرفته است. هر کس خدا را قادر و توانا می‌شناسد، باید آن را باور کند و هر کس العیاذ بالله خدا را عاجز می‌شمارد و عجز را نقص و از صفات سلبيه حق نمی‌داند، هر چه دلش می‌خواهد بگوید؛ اما می‌گوئیم عجز، نقص است و ناقص، محتاج است و محتاج واجب الوجود نمی‌باشد. حضرت صاحب الامر - عجل الله تعالی فرجه - را در این دوران عمر طولانی مکرر مردمان بزرگ که از صفای باطن و استعداد خاص بهره‌مند بوده‌اند، زیارت و مشرف به ملاقات و نعمت دیدارش شده‌اند. در این موضوع سخن از امکان طول عمر و عدم امکان بی مورد است. آن که فرضاً می‌گوید طول عمر محال عقلی است و عقلاً امکان ناپذیر است، یا می‌گوید محال طبیعی است، باید برهان و دلیل بیاورد، مع ذلك ما ثابت کردیم که عمر بسیار طولانی نه محال عقلی و ذاتی است و نه استحاله وقوعی در آن فرض می‌شود و نه محال طبیعی است. باز می‌گوئیم: ما آنچه را از گفتار دانشمندان و نتایج کاوشها آزمایشهای علمی علمای غرب نقل کردیم برای روشن شدن ذهن بعضی از صاحبان افکار سطحی و افراد کم اطلاع بود که بدانند امکان طبیعی طول عمر مورد قبول علمای بزرگ شرق و غرب است. اما در مورد طول عمر امام زمان - ارواحنا فداه - فرضاً هم امکان طبیعی طول عمر ثابت نباشد، تکیه ما بر قدرت خدا و اراده باری تعالی است و از اینکه طول عمر آن حضرت خارق العاده هم باشد، هیچ شبهه‌ای را وارد نمی‌دانیم. زیرا مسأله خارق عادات و ایمان به معجزه اساس قبول و پذیرش نبوت است. تمام معجزات پیغمبران امور خارق العاده است و این کسانی که در این موضوع استبعاد می‌کنند، در مورد معجزات حرفی ندارند و تسلیم هستند. چه فرق می‌کند، احیاء موتی و زنده کردن مردگان و تبدیل عصا به ثعبان و پیدایش ناقه از سنگ و نزول مائده از آسمان و سخن گفتن کودک در گهواره و ولادت عیسی بدون پدر، با عمر بسیار طولانی. اگر امکان طبیعی طول عمر را علم تصدیق می‌کند، امکان طبیعی بعضی از معجزات را تصدیق نکرده است پس چگونه در آن شک می‌کنیم با اینکه این را قبول داریم. ما می‌گوئیم به هر حساب که باشد، ایراد یا استبعاد طول عمر حضرت قائم آل محمد - عجل الله تعالی فرجه - بی وجه است و اگر تمام عقلا جمع شوند و بخواهند در ایراد به طول عمر آن حضرت یک سخن خردپسند و دلیل معقولی درست کنند ممکن نیست. خدا فرموده و پیغمبر خبر داده و ائمه طاهرین هم مژده داده‌اند که حضرت حجت عصر، فرزند حضرت امام حسن عسکری (ع) همان کسی که در بامداد روز نیمه شعبان سال ۲۵۵ عالم را به نور جمال خود منور ساخت، بعد از غیبت بسیار طولانی که مردم در امر آن حضرت در حیرت و سرگردانی واقع می‌شوند و اکثراً به شک و تردید می‌افتند و عالم پر از ظلم و جور و فشار و ناراحتی و فساد و انواع نگرانیها می‌شود ظهور می‌فرماید و جهان را پر از عدل و داد می‌کند و در دنیا یک حکومت جهانی تشکیل می‌دهد و قانون واحد اسلام را همه جا اجرا می‌سازد و در سراسر عالم عدالت اجتماعی را بر اساس تعالیم قرآن برقرار می‌نماید. با اینکه این بشارتها قطعی و مسلم و متواتر است، خداوند هم بر هر کار قادر و توانا است دیگر جای شبهه و شک و تردید نیست. این استبعادات طول عمر و سر غیبت همه از وساوس شیطان است و چنانچه توضیح داده شد به هر نحو که در طول عمر نظر بدهیم، استبعاد طول عمر حضرت صاحب الزمان - عجل الله تعالی فرجه - صحیح نیست. علم و عقل و نقل و قرآن و احادیث و کتابهای دینی ملل دیگر و آراء و نظر دانشمندان قدیم و جدید و تجربه، همه پشتیبان و مؤید عقیده ما می‌باشند.

تفاوت و اختلاف مخلوقات در عمر و طول عمر بشر و قیاس آن با استثنائات

باید در نظر داشت که در عالم آفرینش از مجردات و مادیات و انواع و افراد آنها مخلوقات استثنائی [۱۰] و منفردی وجود دارد که بین آنها و موجوداتی که با آنها در یک رشته و تحت یک نوع یا فصل می‌باشند فاصله و تفاوت بسیار دیده می‌شود و چون انس ما به همان موجودات یک نواخت و کم تفاوت است، در نظر ما وجود این افراد آن همه در صورتی که فاصله و تفاوت زیاد باشد استثناء و شگفت انگیز است. خواه این فاصله و استثناء از جهت طول یا عرض یا حجم یا وزن یا خصوصیات معنوی و روحی و جهات دیگر باشد و خواه بر ماعت آن استثناء معلوم باشد و آن را تحت یک قانون از قوانین ظاهری یا خفی بشناسیم یا علت آن بر ما معلوم نباشد. از کرات آسمان و ستارگان گرفته تا ذره و اتم، هر کجا برویم یک عده استثنائاتی می‌بینیم، یعنی موجوداتی را می‌بینیم که نسبت به موجودات دیگر از نوع خود واجد یک خصوصیت استثنائی و جالب می‌باشند.

استثناء در کرات

شما از ستاره شناسان و علمای هیئت که از احوال میلیونها ستاره و منظومه و کهکشان و فواصل ستارگان و ابعاد و حجم و قطر آنها کم و بیش اطلاعاتی دارند پرسید که آیا در این قوانینی که شما کرات کواکب و نجوم را تحت سیطره آنها شناخته‌اید موارد استثنائی که شما هنوز به کشف قانونی که بر آن حاکم است نایل نشده باشید هست یا نه؟ پرسید تا جواب مثبت بشنوید. آیا تفاوتی که در بین این مخلوقات عظیم از جهت حجم و قطر و وزن وجود دارد حد و حصر معینی دارد یا نه؟ یقیناً جواب می‌دهند حدّ و حصر معین ندارد. مثلاً تفاوتی که زمین ما با «سدیم المرأه المسلسله» دارد از جهت حجم و قطر و وزن با حساب هیچ محاسبی (غیر از خدا) معلوم نمی‌شود و برای اینکه تا حدی این تفاوت نزدیک به ذهن شود، تفاوت بین آفتاب و «سدیم المرأه المسلسله» را باید در نظر بگیریم. حجم آفتاب را علمای هیئت نسبت به حجم سدیم المرأه المسلسله مثل حجم یک ذره از ذرات نور آفتاب که از پنجره‌ای به داخل اطاقی بتابد نسبت به خود آفتاب بر آورد کرده‌اند یعنی آن ذره چقدر از آفتاب کوچکتر است، آفتاب با آن عظمت به همین قدر از سدیم مرأه مسلسله کوچکتر است آن وقت زمین ما که حجمش یک میلیون و سیصد هزار بار کمتر از آفتاب است در جنب سدیم چه خواهد بود؟! و اگر کسی بخواهد حجم سدیم مرأه مسلسله را نسبت به آفتاب بفهمد، طول قطر آفتاب را که یک میلیون و ۳۹۰ هزار کیلومتر است با طول قطر سدیم که سی هزار میلیون سال نوری است مقایسه نماید. آیا این تفاوت بین زمین ما و سدیم‌ها و از آنها بزرگتر از کجا است؟ و آیا کسی می‌تواند بگوید ما نمی‌توانیم این همه تفاوت و فاصله اختلاف را در این دو کره قبول کنیم؟ آیا چطور است که بطور استثناء در میان سیارات منظومه شمسی فقط این زمین ما و به احتمالی هم مریخ صالح از برای پیدایش حیات شد در حالی که سیارات دیگر این صلاحیت را ندارند و شاید میلیونها ستاره دیگر نیز فاقد این صلاحیت باشند؟

استثناء و اختلاف عمر در دنیای اتم

می‌گویند: در جهان اتم مزونهای یافت می‌شوند که یکی پس از رهایی از مرکز، عمرش یک هزارم ثانیه است و مزونی دیگر به نام هایرون عمرش ده میلیاردیم ثانیه است، یعنی بی نهایت کمتر و کوتاه‌تر آیا این اختلاف را اگر دیروز که بشر به دنیای اتم آشنا نبود، به شما می‌گفتند باور می‌کردید؟ یقیناً نه. ولی امروز آن را یک موضوع مسلم فیزیکی می‌دانند [۱۱].

استثناء و اختلاف عالم گیاه و درخت

در عالم نبات نیز استثنائات عجیب و حیرت افزا، فراوان به چشم می‌خورد در میان اشجار و درختان، درختانی دیده شده‌اند که از جهت طول یا تنومندی و قطر یا طول عمر فوق العاده اسباب تعجب گردیده‌اند مثل درخت «ارز» لبنان و مثل درختی که در آمریکا

است و به عربی آن را «ام الاجمه» می‌نامند، یعنی مادر جنگل. این درخت از بزرگ‌ترین درختهای آمریکا است، درازی آن را بیشتر از سیصد قدم ذکر کرده‌اند سیاحان تازه حالا چهار صد قدم می‌گویند، قطر ساق آن نزدیک به زمین سیصد قدم و کلفتی پوستش به عرض هجده انگشت. در اسکاتلند «اکس» انگلیس در عمر بعضی از درختها تأمل کرده دیده‌اند از سیصد سال بیشتر است. یکی از فضلاء محیط یکی از اشجار را اندازه گرفته تقریباً نود قدم بوده و از روی نسبت آن به کوچک‌ترین درخت از همین نوع عمر آن را پنج هزار سال معین کرد. در کالیفرنیا درخت کاجی است به طول سیصد قدم که محیط آن سی قدم می‌باشد و عمرش شش هزار سال است. غریب‌تر از اینها درخت «عندمی» است در شهر اورتاوا در جزیره تنزیف که یکی از جزایر کاناری می‌باشد در دریای اتلانتیک (جزایر مزبور به جزایر خالدهات معروف است) این درخت محیطش بقدری است که اگر ده نفر دور آن دستهای خود را باز کنند بطوری که سر انگشتهای آنها به هم برسند باز به تمام ساق آن احاطه نمی‌نماید و صاحب «الایات الینات» می‌گوید: حال که سال ۱۸۸۲ م است «سال تألیف کتاب الایات الینات» ۴۸۲ سال می‌باشد که جزیره مزبور کشف شده و آن درخت عظیم در وقت کشف جزیره به همین حال بوده که حالا هست و هیچ تفاوت و تغییری در منظر آن پیدا نشده و چون نمو اینگونه درختها کند است که از نمو درختهای کوچک از همین نوع معلوم می‌شود، در این صورت خدا می‌داند چقدر قرون و دهور گذشته تا درخت عدم اورتاوا، به این عظمت و قطر رسیده و یکی از علمای نبات شناس در تعیین عمر این درخت اظهار عجز کرده می‌گوید: فهم و ادراک بشر از کشف این سر قاصر است و نمی‌تواند به تقریب هم بفهمد که عدم اورتاوا چند سال عمر کرده همین قدر معلوم و مسلم است که این نهال کهنسال قرن‌ها پیش از خلفت انسان در کار نشو و نما بوده و زندگانی درازی نموده تا به این قد قواره رسیده است.

تفاوت و اختلاف در عالم حیوانات

اما اختلاف حیوانات به حسب نوع در مقدار متوسط عمر که امروز در آمارهائی که از طرف علمای حیوان شناس داده شده معلوم و فاصله میان کمتر و بیشتر آنها عجیب است، همچنین اختلاف و استثناء در افراد هر نوع از انواع حیوان بسیار دیده و گهگاهی هم در جراید، این استثنائات و تفصیلات آن را می‌خواهیم که اگر کسی آنها را جمع آوری کند یک کتاب جالب می‌شود. دانشمندان شوروی در جمهوری «یاکوتسک» نزدیک قطب شمال یک نوع حلزون پیدا کرده‌اند که از چندین هزار سال پیش یعنی قبل از تاریخ تا حال زنده مانده است. [۱۲]. ماهیهائی در اقیانوس اطلس شمال اروپا دیده شده که عمر سه میلیون ساله برایشان بر آورد کرده‌اند و مارهائی که عمر چند هزار ساله دارند وجود دارند در حالی که جنبندگان نیز هستند که عمر شان چند لحظه بیش نیست. [۱۳] آیا می‌دانید که عمر ملکه زنبوران عسل چهار صد برابر عمر زنبوران دیگر است؟

استثناء در جهان انسانها

بطور کلی ناموس تفاوت و تمیز در بین انسانها نیز حاکم است و اگر این ناموس نبود شناختن افراد، غیر ممکن می‌شد و قرآن مجید این ناموس را از آیات خدا شمرده می‌فرماید: «ومن آیاته... اختلاف السننکم و ألوانکم» [۱۴]. «و از نشانه‌های خداوند... اختلاف زبانها و رنگهای شما است». آن قدر افراد با هم امتیاز دارند که باید گفت بیشتر امتیازات و تفاوتها از نظر اکثر افراد مخفی است، آنچه برای عموم میسر است شناختن افراد به وسیله شکل و قیافه ظاهر است ولی امروز با وسایلی که در دسترس بشر قرار گرفته افراد را از اختلاف خون و استخوان و حتی از خطوط سرانگشتان می‌شناسند. تفاوت در عمر، قد، رنگ، ساختمان بدن، قوای مغزی و فکری و احساسات، در همه این تفاوتها اشخاص نادر الوجود و استثنائی دیده شده‌اند، مثلاً یک نفر قلبش در طرف راست واقع شده، یک نفر در طول قامت یا وزن میان چندین میلیارد افراد بشر منحصر به فرد می‌شود. در خصائص و صفات روحی یکی در

سخاوت حاتم می‌شود و دیگری در بخل ضرب‌المثل می‌گردد. در قوای فکری یک نفر نابغه می‌شود و یکی چنان با هوش است که حل مشکل‌ترین مسائل فلسفی و ریاضی برای او مثل یک عمل عادی دیگران آسان، دیگری چنان ساده و کم هوش می‌گردد که فهم یک مسأله بدیهی یا ضرب یک عدد کوچک در همان عدد کوچک برایش دشوار است مردان بزرگ و نوابغ و قهرمانان تاریخ همه شخصیت‌هایی هستند که ما فوق افراد عادی قرار دارند. پس این ناموس استثناء در عالم آفرینش هست، منتهی گاهی سبب آن بر ما معلوم است و گاهی مجهول و گاهی بطور ابداع واقع می‌شود. حال به آن کسی که طول عمر امام زمان (ع) را بعید می‌شمارد و یا انکار می‌کند می‌گوئیم: چرا انکار می‌کنید، مگر این همه استثنائات را در مخلوقات عالم نمی‌نگرید؟ چرا این طول عمر هم یکی از آنها نباشد؟ و چگونه شد که در عالم کرات و عالم اتم و نبات و حیوان طول عمر استثنائی و اقسام استثنائات دیگر را قبول داریم اما در مورد امام زمان که ولی خدا است، باور نمی‌کنید؟ فرضاً شخصی مؤمن و خدا شناس نباشد، از روی همین وضعی که در عالم طبیعت می‌بیند، حق ندارد طول عمر یک فرد را انکار کند و آن را نپذیرد. و اگر خدا شناس هستید و به قدرت او و به اخبار پیامبران ایمان دارید، چطور می‌توانید طول عمر آن حضرت را نپذیرید؟ آیا از قدرت خدا به دور می‌دانید؟ آیا خدا نمی‌تواند یک نفر بشر را چند هزار سال عمر بدهد؟ شما که استثنائات عجیب‌تر از طول عمر را باور دارید مثل تبدیل عصا به اثرها و تولد عیسی بدون پدر چرا طول عمر پسر پیغمبر را قبول نمی‌کنید؟ مگر خدای کرات و اتم و درخت و گیاه و حیوانات و خدائی که عیسی (ع) را بدون پدر آفرید، غیر از خدای حضرت صاحب الزمان (ع) است؟ یقیناً، نه شما و نه هیچ کس دیگر نمی‌توانید به این پرسش پاسخ منفی بدهید و قدرت خدا را در این مورد محدود سازید.

عمر جاودان

امکان عمر جاودان مسأله‌ای است که همواره مورد توجه بشر بوده و فحوص و کنجکاوی و مطالعه در اطراف آن جریان داشته است. در امکان عقلی عمر جاودان هیچ شبهه و شکی نیست و گمان نمی‌رود کسی تا حال امکان عقلی آن را رد کرده باشد، یعنی عمر جاوید را برای بشر محال دانسته باشد. آنچه همواره تحت مطالعه قرار داشته مسأله امکان علمی آن می‌باشد، یعنی علمای زیست‌شناس و دانشمندان دیگر با آزمایشها و تحقیقات خود خواسته‌اند بدانند: آیا می‌توان عمر جاودان در دسترس بشر قرار داد و کاری کرد که هر کس بخواهد بتواند از آن برخوردار شود؟ آیا آزمایشهایی که تا کنون برای رسیدن به این مقصود شده، موفقیت آمیز بود است؟ آیا تلاشهای علماء در این موضوع آنان را بیشتر امیدوار ساخته یا نا امید؟ این مسأله‌ای است که هر کس فوق العاده به آن علاقه‌مند است و شاید مسأله‌ای مهم‌تر از آن در مسائل زندگی مادی او نباشد و مسائل دیگر مانند مبارزه با بیماریها و کوشش و کشف داروی سرطان و مرضهای خطرناک دیگر همه از جزئیات و فروع این مسأله است، یعنی عشق و علاقه به ادامه حیات و عمر زندگی بیشتر. تا آنجا که اطلاع داریم در پاسخ این پرسشها آنچه علمای زیست‌شناس و پزشکان و دانشمندان متخصص در رشته‌های مربوط به این موضوع اظهار نظر مثبت کرده‌اند و آزمایشهای آنها امیدوار کننده از آب در آمده است. اما در خصوص این موضوع یعنی امکان عمر جاودان ظاهراً مطالعات و آزمایشها از دو راه انجام می‌شود. یکی از راه مطالعه حالات و وضع زندگی جسمی و روحی و اخلاقی و دینی و اقتصادی معمرین. و دیگر از راه تحقیق و تجربه‌های علمی و فنی که روی بعضی از حیوانات و جنین و نسوج و سلول و قطعات اعضاء انجام می‌دهند. این مطالعات در هر دو مرحله نتیجه بخش شده و ثابت می‌کند که: بریده شدن طناب عمر لازم طبیعت یک موجود زنده نیست بلکه به علت عوارض و حوادث پیش می‌آید. آنچه از طریق مطالعه احوال معمرین به دست می‌آید این است که برای عمر، حد مخصوصی نیست و نمی‌توان بهره بشر را از نعمت حیات و زندگی به این حدی که به آن مأنوس شده‌ایم محدود کرد و اگر شرایط و احوال اتفاقاً برای کسی مساعد باشد بشر خیلی بیشتر از اینها هم می‌تواند زیست کند.

نیروی جوانی پایدار

یکی از خصوصیات و اوصاف امام عصر (ع) این است که به مرور روزگار، پیری و کهولت در آن حضرت ظاهر نشود و باید هم اینطور باشد. زیرا با سن زیاد اگر کهولت آور و پیری زا باشد آن حضرت نخواهد توانست مصدر آن همه اصلاحات و اقدامات و فعالیت‌های بزرگ اصلاحی گردد. پس همانطور که آن حضرت به امر خدا از یک عمر بسیار بلند برخوردار است، جوانی و نشاط و نیرومندی آن رهبر جهانیان نیز به امر خدا محفوظ خواهد ماند و چنانچه در مقالات طول عمر بطور تفصیل و مکرر توضیح دادیم اینگونه موضوعات: اولاً، در دائره قدرت خداوند متعال قرار دارد، و آن کسی که ایمان و قبول دارد که خدا ماده را آفریده و مواد را به هم پیوست و از آن این عالم با این نظام استوار را پدیدار ساخت؛ و خدائی که این همه عالم‌ها را آفریده، البته قادر است که جوانی و نشاط و نیروی یک فرد را نگاه دارد. ثانیاً؛ امکان حفظ جوانی نیز مسأله‌ای است که در ضمن مسأله امکان طولانی ساختن عمر حل شده و آزمایش‌های علمی آن را تأیید نموده و دانشمندانی که در این موضوع تحقیقات و مطالعه دارند رفع پیری و خستگی و حفظ و اعاده جوانی و دیر رس کردن پیری را ممکن بلکه عملی شناخته‌اند. مبارزه با پیری و بازگشت دادن نشاط و تجدید قوای جوانی اگر چه از عهد باستان مورد توجه بوده و یقیناً بسیاری از معمرینی که ادیان و تاریخ معرفی کرده‌اند از نیروی جوانی برخوردار بوده‌اند، ولی بحث در آن از نظر علوم جدید از قرن هیجده و نوزده شروع و مطالعات و بررسی‌های دانشمندان در اطراف آن همچنان ادامه دارد. «براون اسکار» نخستین دانشمندی است که هنگام پیری در صدد تجدید جوانی خود با عصاره غدد تناسلی بر آمد (۱۸۶۹ م) و دانشمندان دیگر من جمله «ورونوف» با استفاده از تجارب او آزمایش‌هایی کردند (۱۹۱۸) و از لحاظ تجربی آزمایش‌های «استیناش» حائز اهمیت شد که توانست در روی بعضی جانوران به توسط اعمال جراحی بر روی مجاری تناسلی، آثار جوانی را باز گرداند ولی اینگونه آزمایش‌ها و روش‌های جراحی و هورمونی ناقص و اغلب بی خطر نبود [۱۵]. بعضی از دانشمندان در اندیشه پیدا کردن وسیله مبارزه با علت اصلی پیری که (به عقیده آنها) ضعف و فرسودگی سلولی است افتادند. یک از مشاهیر پزشکان که راجع به امکان طولانی کردن عمر و تازه کردن جوانی در روی حیوانات آزمایش‌هایی کرده دکتر «فورد نوف» است. این شخص می‌گوید: ششصد آزمایش موفقیت آمیز انجام داده‌ام و اطمینان می‌دهد که در آینده نزدیک تجدید قوای پیران و برطرف ساختن گرد و غبار سالخوردگی و خمیدگی قامت آنها عملی خواهد شد چنانچه دیررس ساختن پیری و طولانی کردن عمر با حفظ صحت قلب و دماغ تا آخر عمر بلکه تغییر صفات و شخصیات و عادات ممکن خواهد شد [۱۶]. در عصر حاضر نیز کوشش و تلاش پزشکان در اطراف اکتشاف سبب پیری ادامه دارد. روزنامه «الثوره» به مناسبت اطلاعیه سازمان ملل راجع به آمار جمعیت دنیا و اختلافات آنها در سن، مقاله‌ای باستناد اقوال پزشکان مشهور منتشر کرد که قسمت عمده آن راجع به اسباب پیری و تلاش‌هایی است که در دانشگاه‌های بزرگ برای کشف علت اصلی آن دنبال می‌شود. در این مقاله بطور قطع اظهار نظر شده که پیری ارتباط به سن زیاد ندارد. از نظر روانشناسان پیری احساس به از کار افتادن و بی اهمیت شدن است با صرف نظر از سن زیاد. و از نظر دانش پزشکی پیری عبارت است از اصابت انسجه حیاتی جسم به قصور از اداء وظیفه در حدود نشاط متعارف و معتاد و به معنی دیگر پیری مفقود شدن قدرت تجدید سلولهای حیاتی است. و به هر حال این احساس یا این پدیده جسمی تحت تأثیر پیش رفتن سن نیست. گاهی عارض اشخاص چهل ساله می‌شود و گاهی در شخص صد ساله هم اثری از آن دیده نمی‌شود و گاهی پیری به واسطه بعضی امراض عارض یک قسمت بدن می‌شود در حالی که سایر اعضاء جوانی و نشاط خود را دارا هستند. در این مقاله اظهار نظر شده که پیری بر حسب طب جدید معلول سه عامل است: نخست، بیماری‌های مزمنه مانند بیماری‌های معدی، بیماری‌های سوء تغذیه و بیماری‌های دیگر. دوم، حالات روانی و انفعالات نفسانی که عامل پیری و مؤثر در فقدان نشاط و استهلاک سلولهای حیاتی است. عامل سوم: عوامل خارجی است مانند محیط زندگی و آب و هوا و سردی و گرمی و رطوبت [۱۷]. «بوکومولتس» که

در تاریخ مبارزه با پیری زیاد به اسم او بر می‌خوریم معتقد بود که باید به وسیله سرم مخصوص به انساج نرمش اولیه را باز گرداند.

اخبار درباره جوانی امام زمان

صدوق در «کمال الدین» و علی بن محمد خزاز رازی در «کفایه الاثر» از حضرت امام حسن مجتبی (ع) در ضمن حدیثی روایت کرده‌اند که فرمود: فرزند نهم از فرزندان برادرم حسین (ع) را خدا عمرش را در غیبتش طولانی نماید، سپس به قدرت خود او را آشکار سازد، در صورت جوانی که کمتر از چهل سال داشته باشد: «وذلك لیعلم أن الله علی کل شیء قدير» [۱۸]. و نیز صدوق از حضرت رضا (ع) در ضمن حدیثی چنین روایت کرده است: «القائم هو الذی اذا خرج کان فی سن الشیوخ و منظر الشبان قوی فی بدنه» [۱۹]. «قائم آن کسی است که وقتی ظاهر شود در سن پیران منظر و سیمای جوانان و با قوت بدن باشد». و از ابی الصلت هروی منقول است که گفتم به حضرت رضا (ع) علامت قائم چیست وقتی ظاهر شود؟ فرمود: علامتش این است که در سن پیران و منظر و قیافه جوانان است. بطوری که کسی که او را ببیند چهل ساله یا کمتر گمان می‌کند. و از علامات او این است که به گذشت شب و روز پیر نمی‌شود تا آنکه از این دنیا رحلت کند. [۲۰].

سخنی با برادران اهل سنت درباره مهدویت حضرت مهدی

چنانچه می‌دانیم جمعی از مشاهیر علماء اهل سنت به وصایت و ولایت ائمه اثنی عشر (ع) ایمان دارند و به مهدویت حضرت ولی عصر (ع) قائل و معترفند و بعضی از ایشان مدعی زیارت و دیدار آن حضرت شده و معجزات او را نقل کرده‌اند. و بسیاری از آنها هم در تعیین مهدی موعود با شیعه موافقت ندارند اما در آن تعصب و لجاج نمی‌ورزند و آن را یک ماده اختلاف جوهری بین شیعه و سنی نمی‌دانند بلکه یک اختلاف صغروی و مصداقی می‌شمارند و به این اختلاف هرگز به نظر اهمیت نگاه نمی‌کنند. چون هر دو فرقه اصل ظهور مهدی را در آخر الزمان مسلم و حتمی می‌دانند. و می‌گویند در هنگام ظهور با آن علائم و نشانیهای آشکار مانند ندای آسمانی به همه معرفی می‌شود و آنگاه این خلاف موضوعی هم مرتفع خواهد شد. پس این عقیده با آنچه بین فریقین در موضوع مهدی مسلم و مقطوع است و روایات متواتر بر آن دلالت دارد، هیچگونه مغایرت و منافاتی ندارد و اکنون اهل سنت با شیعه چه معارضه‌ای در این مورد داشته باشد؟ و چرا آن را ماده اختلاف و بحث و جدال قرار دهند؟ و چرا در مقام رد شیعه بر آیند با اینکه در این موضوع بر خلاف اجماع و اتفاق مسلمین سخن نگفته‌اند. یکی از دانشمندان معاصر اهل سنت به نام استاد محمد زکی ابراهیم رائد «عشیره محمدیه» در مقاله‌ای که به مناسبت نیمه شعبان و مهدی منتظر در مجله «المسلم» و مجله «العشیره المحمدیه» طبع مصر، در شماره اول سال هجدهم، شعبان ۱۳۷۸ نگاشته در فصلی تحت عنوان «موعود آخر الزمان مختلف المذاهب و الادیان» می‌گوید: مهدی موعود در نزد برادران شیعی ما شرحی دارد که ما در وقت دیگر بیان می‌کنیم ولی آنچه برادران شیعه ما بر آن رفته‌اند با جمهور اهل سنت در اصول و مبادی اساسی به هم می‌رسند و خلاصه آن اصول این است که بطور حتم مهدی اهل بیت که آمال مسلمانان را تحقق می‌دهد و احوال بشر به او مستقیم می‌گردد ظاهر خواهد شد. چنانچه ملاحظه می‌شود این دانشمند عقیده شیعه را در مهدویت با اصول و مبانی اساسی آن که بین سنی و شیعه مورد اتفاق است موافق شمرده و در نهایت ادب بدون اینکه عواطف شیعه را تهییج نماید و قلم را به دشنام و سخنان ناسزا آلوده کند اظهار نظر نموده است. امام متأسفانه عده‌ای هم هستند که همواره مانع از اتحاد مسلمانان و وقع سوء تفاهمات فی ما بین بوده و می‌خواهند به آتش اختلاف دامن زده و این دو فرقه بزرگ اسلامی را که می‌توانند در کنار هم با همکاریهای صمیمانه زندگی کرده و در برابر دشمنان اسلام همگام و هم صدا باشند از هم جدا نمایند. این افراد مغرض که شاید در عصر ما مزدوران استعمار و صهیونیسم بین المللی باشند، از آن همه قدر مشترکها و پیوندهای ناگستنی و مواد مورد اتفاق شیعه و سنی که آنها را به هم مربوط و متصل ساخته و صاحب منافع مشترک قرار داده چشم

پوشی نموده و یک سلسله مسائلی را که مانع از هم فکری مسلمین و اتحاد و اتفاق آنها مخصوصاً در این زمان نیست پیش کشیده و گاهی را کوهی نشان می‌دهند و عمداً آنچه را می‌گویند و می‌نویسند (برای این است که کاملاً به ایجاد تفرقه‌ای که خدا در قرآن از آن نهی کرده نایل شوند) قلم را به فحش و دشنام و نسبت‌های ناسزا و افترا و بهتان به شیعه آلوده می‌سازند تا بلکه شیعه را تحریک و عصبانی کنند، آنها نیز معارضه به مثل نمایند و در این میان بیگانگان و استعمارگران که همه از مقاصد شوم و خوابهای خطرناک آنها برای اسلام و مسلمین بیش و کم با خبریم به مقاصد خود برسند و شوکت و آبروی هر دو فرقه را در معرض زوال قرار دهند و با جنگ داخلی میان مسلمانان و سوء تفاهم، کفار را بر آنها مسلط سازند. ما در اینجا در مقام توضیح زیانهای این قلمهای مسموم و سیاستهایی که مخصوصاً در عصر ما به عناوین متعدد از راه مذهب و ملیت و وطن و نژاد و زبان عامل تفرقه مسلمانان شده نیستیم. شرح این هجران و این خون جگر این زمان بگذار تا وقت دگرباری یکی از موضوعاتی که بیهوده و فقط برای زیاد کردن فاصله بین سنی و شیعه در گذشته و حال از طرف بعضی از کسانی که خود را به نام اهل سنت معرفی کرده‌اند مانند «ابن حجر» و «محب الدین خطیب» دستاویز حمله به شیعه و استهزاء و فحش و دشنام نسبت آنها به جهل و نادانی شده، مسأله طول عمر حضرت ولی عصر - ارواحنافداه - است. این افراد برای تجریح عواطف شیعه و منحرف ساختن افکار، شیعیان را در این ایمان و عقیده به باد دشنام گرفته و مثل اینکه یک سخن نامعقول و بی سابقه‌ای را پذیرفته باشند به آنها اعتراض می‌کنند. ما به این آقایان می‌گوئیم! شما که مسلمانان و مؤمن به قدرت خدای تعالی هستید، چرا این اعتراض را به ما می‌نمائید؟ شما چرا کسانی که خدا را قادر و توانا می‌دانند بر اینکه عمر یکی از بندگان خاص خود را هر چه مصلحت اقتضا کند طولانی نماید، مسخره می‌نمائید؟ مگر شما خدا را قادر مطلق نمی‌دانید؟ مگر قرآن نخوانده‌اید که در شرح احوال نوح می‌فرماید: «فلبث فیهم ألف سنة الا خمسين عاماً». [۲۱]. مگر به صریح این آیه درنگ نوح در میان قومش نهصد و پنجاه سال نبوده است؟ به چه جهت شما شیعه را در مسأله ایمان به طول عمر این همه سرزنش می‌نمائید و به جهل نسبت می‌دهید؟ این اعتراض و دشنام‌های شما به شیعه لوازمی دارد که شما بر حسب عقاید خودتان نمی‌توانید آن لوازم را بپذیرید؟ مگر در قرآن نخوانده‌اید که خدا ابلیس را تا وقت معلوم مهلت داده است؟ مگر در «صحیح» مسلم خودتان در قسم دوم از جزء دوم در باب ابن صیاد، در «سنن» ترمذی در جزء دوم، در «سنن» ابی داوود در باب خبر ابن صائد از کتاب «ملاحم» آن روایات متعدد را راجع به ابن صیاد و ابن صائد ندیده‌اید که پیغمبر احتمال داد، او همان دجال باشد که در آخر الزمان ظاهر می‌شود؟ مگر حدیث «تمیم داری» را که مسلم در باب خروج دجال و ابن ماجه در جزء دوم در ابواب «فتن» و ابو داوود در جزء دوم «سنن» روایت کرده‌اند نخوانده‌اید که صریح است بر اینکه دجال در زمان پیغمبر زنده بوده و در آخر الزمان ظاهر می‌شود چگونه شد درباره دشمنان خدا این عمر طولانی را باور کردید و روایت کنندگان این احادیث را که همه از بزرگان و رجال خود شما هستند به جهل نسبت ندادید. اما موضوع ولی خدا و فرزند پیغمبر این سروصداها را راه انداخته‌اید و باور نمی‌دارید؟ چگونه شد که عمر بسیار طولانی را برای خضر و ادریس و عیسی جایز می‌شمارید اما برای حضرت مهدی موعود با این همه شواهد و ادله و معجزات و کراماتی که در عصر غیبت صغری و کبری از او ظاهر شده و با اینکه افرادی که در راستی و صدق گفتارشان شکی نیست او را مکرر ملاقات کرده‌اند جایز نمی‌شمارید؟ چرا خودتان و همه مسلمین را در ایمان به بقاء عیسی (ع) مسخره نمی‌نمائید؟ اگر بنا به استهزا باشد، شما در اصول دین بعضی عقائد دارید که با عقل مستقیم و نزاهت اسلام که دین توحید است به هیچ وجه سازگار نیست. شما نسبت به کسانی که آنها را به اصطلاح از اقطاب و اولیاء می‌شناسید، کارهایی نسبت می‌دهید که هر کس از گفتارتان بخنده می‌افتد. ولی چنانچه گفته شد معارضه به مثل صحیح نیست و مراضی نیستیم سخنی بگوئیم یا کلامی بنویسیم که شما را در انظار بیگانگان خفیف و سبک سازد. ما می‌گوئیم که وضع روزگار و فشارهایی که از طرف استعمارگران بر مسلمانها وارد شده و می‌شود به ما فرصت و اجازه نمی‌دهد که در اینگونه خلافت، زبان به عیب جوئی یگدیگر باز کنیم. در حالی که دشمنان اسلام با اساس اسلام و قرآن و احکام قرآن، دشمنی می‌کنند. در حالی که احکام اسلام و اصول و شعائر مسلم

بین سنی و شیعه در کشورهای اسلامی دستخوش سخت‌ترین تعرضات و آسیب شده و مسیحی‌ها و یهودیها و کفار دیگر برای از رسمیت انداختن احکام اسلام هر روز نقشه‌هایی طرح و توسط مسلمان‌نماهایی از شیعه و سنی اجرا می‌نمایند؟ خوب است در افکار و آراء خود قدری مطالعه کنید و هم چنین از روی بی‌طرفی و با نظر خالی از تعصب به عقاید پاک و مقدس شیعه در اصول و فروع که از مصادر محکم عقلی و قرآن و سنت گرفته شده است بنگرید و بیهوده به القاء شبهات واهی و تهمت و افتراء عواطف شیعه جریحه دار نساخته و برادران سنی ما را گرفتار سوء تفاهم و بدبینی و بی‌خبری از عقائد و آراء اسلامی ما نسازید.

سرگذشت معمرین در تاریخ

اگر چه راجع به امکان عمر بسیار طولانی در ضمن مطالب گذشته توضیحات کافی داده شد لیکن برای آنکه خوانندگان ارجمند بدانند این موضوع از نظر تاریخ هم همواره مورد قبول بشر بوده، خوانندگان را به کتابهای معتبر تاریخ و تراجم و اعلام ارجاع می‌دهیم و یادآور می‌شویم که علاوه بر اینکه در ضمن این کتب شرح احوال بسیاری از معمرین درج شده کتابهایی نیز به خصوص در ترجمه معمرین تألیف شده مانند «المعمرون» ابی حاتم سجستانی متوفای ۲۴۸ یا ۲۵۰ که نخست به ضمیمه ترجمه انگلیسی آن در ۱۸۹۹ م در لندن طبع و اخیراً نیز طبع آن تجدید شده و در کتابهایی نیز مانند کمال الدین و غیبت شیخ و امالی شریف مرتضی، یک باب یا فصل به این موضوع اختصاص داده شده است. هر کس به این کتابها مراجعه نماید می‌فهمد که (بیهوده سخن به این درازی نبود) و برایش یقین حاصل می‌شود که این همه نقلهای تاریخی بی‌مأخذ و مجهول نمی‌باشد و برای عمر بشر حد و مرز معینی نیست تاریخ طولانی و پر از عجایب زندگی بشر، معمرین بی‌شمار دیده و در روی این زمین خیلی افرادی بیش از حضرت ولی عصر - ارواحنا فدا - عمر کرده‌اند. و بدیهی است آنچه ما از تاریخ معمرین می‌دانیم و در کتب تراجمی که در دسترس ما است، ضبط شده تاریخ یک قسمت کوچک از این دنیای بزرگ است و اگر تواریخ ملل دیگر در دست ما بود و اگر از آغاز به حفظ سرگذشت معمرین به اندازه سرگذشت پادشاهان اهمیت داده شده بود، اکنون تواریخ سرگذشت معمرین از تواریخ دیگر مفصل‌تر بود. مع ذلک ما می‌خواستیم جدولی از اسامی معمرین از روی کتب و مأخذی که در دسترس داریم به خوانندگان تقدیم نمائیم ولی چون ملاحظه شد آمارگیری از عموم معمرین در تاریخ، در گذشته و حال حتی در حدود همین تواریخ و مصادری که در دسترس است، وقت و فرصت زیاد لازم دارد، فقط به ذکر نام عده‌ای از آنها به عنوان نمونه و به حکم مثل معروف «حم الامثال فیما یجوز و فیما لا یجوز سواء» اکتفا کردیم.

اسامی برخی از معمرین

۱ - آدم، ۹۳۰ سال - ۲. شیث، ۹۱۲ سال - ۳. انوش، ۹۰۵ سال - ۴. قینان، ۹۱۰ سال - ۵. مهللثیل، ۸۹۵ سال - ۶. یارد، ۹۶۲ سال - ۷. اخنوخ، ۳۶۵ سال - ۸. متوشالاح، ۹۶۹ سال - ۹. لامک، ۷۷۷ سال - ۱۰. نوح، ۹۵۰ سال. (و بنا بر تواریخ و کتب حدیث مجموع مدت عمر او پیش از بعثت و بعد از طوفان ۲۵۰۰ سال شد). ۱۱. سام، ۶۰۰ سال - ۱۲. ارفکشاد، ۴۳۸ سال - ۱۳. شالح، ۴۳۳ سال - ۱۴. عابر، ۴۶۴ سال - ۱۵. ابراهیم، ۱۷۵ سال - ۱۶. اسمعیل، ۱۳۷ سال. (مدت اعمار این افراد همه طبق تورات نوشته شد که علاوه بر این جمعی دیگر را نیز مانند فالح و رعو و سروج و ناحور و غیره ذکر کرده، مراجعه شود به ترجمه عربی تورات، ط بیروت، ۱۸۷۰ م و منتخب الاثر نگارنده، ص ۲۷۶ و ۲۷۷ و ظاهراً اخنوخ همان ایلیا است که یهود و نصاری معتقدند سه هزار و سیصد و هشتاد و دو سال پیش از میلاد زنده به آسمان برده شد و الم مرگ نچشید رجوع شود به کتاب اظهار الحق، ج ۲، ص ۱۲۴). ۱۷. ربیعہ بن ضبیع فزاری، ۳۸۰ سال، (کمال الدین، ج ۲، ص ۲۳۳ تا ۲۳۵). ۱۸. اوس بن حارثه، ۲۲۰ سال، (المعمرین، ص ۳۶). ۱۹. عبید بن شریذ جرهمی، ۳۵۰ سال، (کمال الدین، ج ۲، ص ۲۳۲). ۲۰. برد، ۹۶۲ سال، (کنز الفوائد، ص ۲۴۵). ۲۱. ایوب بن حداد عبدی،

۲۰۰ سال، (کمال الدین، ج ۲، ص ۱۴۲). ۲۲ - ثعلبیه بن کعب، ۳۰۰ سال، (المعمرین، ص ۶۴). ۲۳ - تیم الله بن ثعلبه ۵۰۰ سال، (تذکره الخواص، ص ۲۰۵ و المعمرین، ص ۳۱). ۲۴ - ثوب بن تلده اسدی، ۲۲۰ سال، (المعمرین، ص ۵۹). ۲۵ - جعفر بن قرط عامری، ۳۰۰ سال، (المعمرین، ص ۴۳). ۲۶ - جلهمة بن ادد بن زید، ۵۰۰ سال، (غیبت شیخ، ص ۸۶). ۲۷ - یحابر بن مالک بن ادد، ۵۰۰ سال، (غیبت شیخ، ص ۸۶). ۲۸ - زهیر بن عتاب کلبی، ۳۰۰ سال، (کمال الدی، ص ۲۴۶). ۲۹ - جلیله بن کعب، ۱۹۰ سال، (المعمرین، ص ۶۵). ۳۰ - حادثه بن صحر، ۱۸۰ سال، (المعمرین، ص ۴۹). ۳۱ - حادثه بن عبید کلبی، ۵۰۰ سال، (المعمرین، ص ۶۷). ۳۲ - حامل بن حادثه، ۲۳۰ سال، (المعمرین، ص ۶۹). ۳۳ - حبابه والیه که از عصر خلافت علی (ع) تا زمان امامت حضرت رضا (ع) عمر کرد، (کتابهای معتبر حدیث). ۳۴ - حارث بن مضامن جرهمی، ۴۰۰ سال، (غیبت شیخ، ص ۸۱ المعمرین، ص ۴۲). ۳۵ - ذوالاصبع العدوانی، ۳۰۰ سال، (المعمرین، ص ۸۲). ۳۶ - حنظله بن شرقی، ۲۰۰ سال، (المعمرین، ص ۴۹). ۳۷ - درید بن زید، ۴۵۰ سال، (المعمرین، ص ۲۰). ۳۸ - زوجدن حمیری، ۳۰۰ سال، (المعمرین، ص ۳۳). ۳۹ - درید بن صمت ۲۰۰ سال، (المعمرین، ص ۲۲). ۴۰ - ذوالقرنین، ۳۰۰ سال، (تذکره الخواص، ص ۳۳۷، نقل از تورات). ۴۱ - ربیعہ بجلی، ۱۹۰ سال، (المعمرین، ص ۶۸). ۴۲ - رداد بن کعب نخعی، ۳۰۰ سال، (کمال الدین، ج ۲، ص ۲۴۲). ۴۳ - زهیر بن خباب، ۴۲۰ سال، (المعمرین، ص ۲۵). ۴۴ - سطح کاهن، ۳۰ قرن، (المعمرین، ص ۵). ۴۵ - سیف بن وهب، ۳۰۰ سال، (المعمرین، ص ۴۱). ۴۶ - شریه بن عبدالله جعفی، ۳۰۰ سال، (المعمرین، ص ۳۹). ۴۷ - شق کاهن، ۳۰۰ سال، (کمال الدین، ج ۲، ص ۲۳۵). ۴۸ - صیفی بن ریاح، ۲۷۰ سال، (غیبت شیخ، ص ۸۰). ۴۹ - ضبیره بن سعید، ۲۲۰ سال، (المعمرین، ص ۲۰). ۵۰ - عباد بن سعید، ۳۰۰ سال، (المعمرین، ص ۷۰). ۵۱ - عوف بن کنانه کلبی، ۳۰۰ سال، (کمال الدین، ج ۲، ص ۲۵۵). ۵۲ - عبدالمسیح بن عمرو غسانی، ۳۵۰ سال، (المعمرین، ص ۳۸). ۵۳ - اوس بن ربیعہ اسلمی، ۲۱۴ سال، (المعمرین، ص ۶۶). ۵۴ - عبید بن شرید جرهمی، ۳۵۰ سال، (کمال الدین، ج ۲، ص ۲۳۲). ۵۵ - عمرو بن حمه الدوسی، ۴۰۰ سال، (غیبت شیخ، ص ۸۱). ۵۶ - عمرو بن لحي، ۳۴۵ سال، (غیبت شیخ، ص ۸۶). ۵۷ - قس بن ساعده، ۶۰۰ سال، (کنز الفوائد، ص ۲۵۴). ۵۸ - کعب بن حمه الدوسی، ۳۹۰ سال، (تذکره الخواص، ص ۲۰۵، المعمرین، ص ۲۲). ۵۹ - کعب بن راده نخعی، ۳۰۰ سال، (المعمرین، ص ۶۶). ۶۰ - محصن بن عتبان زبیدی، ۲۵۶ سال، (کمال الدین، ج ۲، ص ۲۵۵ المعمرین، ص ۲۱). ۶۱ - مرداس بن صبیح، ۲۳۰ سال، (المعمرین، ص ۳۵). ۶۲ - مستوغر بن ربیعہ بن کعب، ۳۳۰ سال، (المعمرین، ص ۹). و سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۹۳). ۶۳ - هبل بن عبدالله کلبی جد زهیر بن خباب، ۷۰۰ سال، (المعمرین، ص ۲۹). ۶۴ - نفیل بن عبدالله، ۷۰۰ سال، (تذکره الخواص ص ۲۰۵). مخفی نماند که یادداشت کردن نام معمرینی که شرح حالاتشان در کتاب المعمرین و غیبت شیخ و کمال الدین و کنز الفوائد و کتابهای تاریخ حفظ شده، سبب اطلاع مقاله می گردد؛ لذا به همی قدر قناعت کردیم. در پایان این مقالات یک بار دیگر نیز یاد آور می شویم که آنچه ما پیرامون موضوع طول عمر و نواحی مختلف آن شرح دادیم برای این است که معلوم شود استبعاد عمر بسیار طولانی ناشی از قلت اطلاع از تاریخ و احوال معمرین و جهل به علوم طبیعی و ضعف ایمان به خدا و یا عناد و لجاج و سر پیچی از پذیرفتن حق است. و اگر این شواهد و دلائل هم در بین نبود و مسأله عمر طولانی بی سابقه بود و علوم طبیعی هم امکان طبیعی طول عمر را تأیید نمی کرد، طول عمر حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - یک موضوع خرد پسند و باور کردنی و ثابت بود زیرا با این همه اخبار و بشارات پیامبر اعظم (ص) و ائمه طاهرین (ع) و با آن همه معجزات و خوارق عاداتی که از آن حضرت در عصر حیات پدر بزرگوارش حضرت امام حسن عسکری (ع) و در غیبت صغری و غیبت کبری صادر شده و با اینکه جمعی بسیار از بزرگان که در صداقت و تقوا و ورع آنها هیچ شبهه‌ای نیست از شرفیابی خود به حضور ولی عصر (ع) خبر داده‌اند و گروههایی که بیش از حد تواتر است به سعادت دیدار ایشان نایل شده‌اند، طول عمر و زندگی آن رهبر عدالت گستر جهان ثابت و محرز است، همانطور که معجزات انبیاء با اینکه خارق عادات است با اتکاء به تواتر خبر دهندگان و قدرت مطلق الهی ثابت و مسلم است. «اللهم انا نرغب الیک فی دوله کریمه تعزبها الاسلام و أهله و تذلل بها النفاق و

أهله، و تجعلنا فيها من الدعاء الى طاعتك و القادة الى سبيلك، ترزقنا بها كرامة الدنيا و الآخرة».

پاورقی

- [۱] اطلاعات شماره ۱۱۸۰۵.
- [۲] اطلاعات شماره ۱۱۸۰۵.
- [۳] مجله دانشمند، شماره مسلسل ۶۱.
- [۴] مجله دانشمند، شماره مسلسل ۶۱.
- [۵] اطلاعات، شماره ۱۱۸۰۵.
- [۶] شماره ۵، سال ۳۸، ص ۶۰۷ و منتخب الاثر، ص ۲۷۸.
- [۷] الهلال، شماره ۵، سال ۳۸، مارس ۱۹۳۰ و منتخب الاثر، ص ۲۷۷ و ۲۷۸.
- [۸] رجوع شود به ترجمه تورات از لغت عبرانی و کلدانی و یونانی به لغت عربی، طبع بیروت، سال ۱۸۷۰ / م.
- [۹] رجوع شود به کتاب اظهار الحق، ج ۲، ص ۱۲۴.
- [۱۰] البته غرض از تعبیر استثنائی و منفرد در اینجا این نسبت که استثناء بر اساس قاعده و قانونی نیست و مثل استثنائات عرف ما تبعیض بی جهت و بی مصلحت باشد، بلکه این استثنائات نیز طبق نوامیس خاصه و سنن الهی ظاهر می‌شود و اطلاق استثناء بر اینگونه پدیده‌ها از جهت این است که به حسب معتاد و سابقه و اطلاعات ما به ندرت دیده می‌شوند. از نظر ما ظهور فلان ستاره یا حادثه جوی یک امر استثنائی و بی سابقه است اما از نظر کسی که به اوضاع و احوال و حرکات ستارگان و منظومه‌ها عالم است یک امر با سابقه است که مکرر در دوران صدها هزار سال جهان روی داده است.
- [۱۱] نور دانش، شماره ۶، دوره جدید، سال پنجم.
- [۱۲] اطلاعات، شماره ۹۷۷.
- [۱۳] نور دانش، شماره ۶، دوره جدید، سال ۵.
- [۱۴] سوره روم، آیه ۲۲.
- [۱۵] اطلاعات، شماره ۸۹۳۰.
- [۱۶] مجله کل شیء. و تفسیر منظای، ج ۱۷، ص ۲۲۴.
- [۱۷] روزنامه «الثوره» چاپ بغداد، شماره ۹۴، سال اول.
- [۱۸] منتخب الاثر، ص ۲۰۶، ف ۲، ب ۱۰، ح ۶.
- [۱۹] منتخب الاثر، باب ۱۷، ف ۲، ح ۲، ص ۲۲۱.
- [۲۰] منتخب الاثر، الباب الحادی و الثلاثون فی «انه شاب لا یهرم بمرور الايام»، ب ۳۱، ح ۲، فصل ۲.
- [۲۱] سوره عنکبوت آیه ۱۴.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید

بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

